

مطالعه کیفی زمینه‌های اجتماعی گرایش دختران به روابط پیش از ازدواج (مورد مطالعه: دانشجویان دختر خوابگاه شهر ارومیه)

مرضیه ابراهیمی^۱

فاطمه مهداد^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۹

چکیده

روابط پیش از ازدواج در میان جوانان، تأثیرات زیادی بر تغییر نگرش آن‌ها در ازدواج و تشکیل خانواده دارد که این امر می‌تواند تغییراتی را در نهاد خانواده ایجاد کند؛ مانند افزایش سن ازدواج، بدبینی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف، شکل‌گیری الگوهای جدید ارتباط با جنس مخالف و...؛ بنابراین هدف پژوهش کیفی حاضر بررسی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به روابط صمیمی پیش از ازدواج با جنس مخالف در میان دختران است. به منظور گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی و با استفاده از معیار اشباع نظری درباره ۱۷ دانشجوی خوابگاه‌های شهر ارومیه صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به کمک تحلیل تماتیک و کدگذاری انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد میان اهداف و دلایلی که در ذهن دختران وجود دارد و نوع گرایش آن‌ها به این روابط، ارتباط معناداری وجود دارد؛ برای مثال برخی دختران، رابطه با جنس مخالف را در صورتی درست می‌دانند که با هدف ازدواج صورت بگیرد. برخی نیز برای کسب تجربه و شناخت پیش از ازدواج و برخی دیگر برای پاسخ به احساسات یا نیازهای مقطعی به این‌گونه روابط گرایش دارند. براساس یافته‌های پژوهش در بیشتر مشارکت‌کنندگان، نیاز عاطفی، نیاز جنسی و ترس از مجرد به‌عنوان مسائل فردی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فشار هم‌سالان، کاهش نظارت خانواده، تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌ها، از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش آن‌ها به رابطه با جنس مخالف است.

واژه‌های کلیدی: جنسیت، خانواده، رسانه، روابط پیش از ازدواج، نگرش.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدبهشتی (نویسنده مسئول)،

ma_ebrahimi@mail.sbu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا، mahdad.fatemehh@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

یکی از نیازهای اساسی زندگی انسان، تعامل و ارتباط با دیگران است (مازلو، ۱۹۶۸: ۷۱). با توجه به سنت آفرینش، هر موجود زنده‌ای برای یافتن کمال خود به‌ناچار نیازمند داشتن رابطه و تعامل با جنس مقابل خود است و گرایش به جنس دیگر در نهاد او قرار داده شده است. بدیهی است کیفیت ارضای این انگیزه نقشی بسیار مهم در سلامت فرد، اجتماع و دستیابی به آرامش و آسایش دارد (خوانساری و سلیمانی، ۱۳۹۰). انسان در طول رشد خود پیوسته برای بقا و پیشرفت خویش محتاج ارتباط با دیگران است که میان این امر با سلامت رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. تمام انسان‌ها به‌دنبال یافتن کسانی هستند که با آن‌ها احساس خوشبختی کنند، از زندگی با آن‌ها لذت ببرند و در کنارشان منفعت بیشتری کسب کنند (وود، ۱۳۷۹: ۱۳۷). همچنین انسان‌ها موجوداتی اجتماعی هستند که نیازهای اساسی آن‌ها عشق و تعلق خاطر است (بامیستر و همکاران، ۱۹۹۵). از سوی دیگر، دگرگونی‌های ساختی و فنی، رشد فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی (ایترنت، ماهواره، چت، تلفن همراه) و پیوند گسترده با سایر کشورها موجب آشنایی با ارزش‌های نوین در گستره جهانی (مانند دنیاگرایی، فردگرایی، فمینیسم، جنبش‌های اجتماعی، حقوق بشر و...) شده که در نتیجه آن در جوامع دگرگونی‌های ارزشی مهمی رخ داده است؛ تا آنجا که تحولات مذکور عامل درهم‌شکننده صورت‌های قدیم «اجتماع» و از بین برنده روابط شخصی در جوامع مدرن هستند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۳۸۱).

پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد انقلابی در حوزه ارتباطات انسانی رخ داده است (باس دی. ام و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۹۵). مروری بر تحولات ایران نیز طیفی از تقابل (در موضوعات مختلف مذهب، فرهنگ، خانواده، جنسیت و...) را میان آنچه در گذشته بوده (سنت) و آنچه مدرن است بازمی‌نماید (آلن، ۱۳۸۲: ۴۷؛ روزی بیدگلی، ۱۳۸۲: ۱۷۸)؛ برای مثال شواهد به‌دست‌آمده از مطالعات داخلی نشان می‌دهد دگرگونی‌هایی بنیادی در زمینه‌های فرهنگی و جامعه‌پذیری، به‌ویژه پدیده روابط پیش از ازدواج (احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳؛ ساروخانی و رفعت‌جاء، ۱۳۸۳ و عبداللهیان، ۱۳۸۳) و رابطه جنسی پیش از ازدواج (گلزاری، ۱۳۸۳؛ محمدپور و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶، ۱۶۰). در میان زنان و دختران ایرانی در حال ساخت و نوزایی است. همچنین در موج اول پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها پاسخگویان معتقد بودند مسئله روابط نامشروع یا بی‌بندوباری در روابط زن و مرد جزء

مسائل مهم و نیازمند توجه در جامعه ماست. ۵۳ درصد پاسخگویان معتقدند روابط نامشروع در جامعه ما در حد «بسیار زیاد» مهم است و ۱۰/۷ درصد نیز این مسئله را کاملاً مهم می‌دانند. از نظر ۱۶ درصد این مسئله اهمیت کمی دارد و تنها یک درصد از نمونه این مسئله اهمیت ندارد. این موضوع نشان می‌دهد روابط نامشروع از نظر بسیاری از افراد در جامعه جدی و مهم تلقی می‌شود. همچنین در پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها در سال ۱۳۸۸ درمورد ازدواج با کسی که روابط جنسی پیش از ازدواج داشته‌اند، ۹۲ درصد پاسخگویان مخالف بودند و تنها ۸ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. این یافته‌ها بیانگر مخالفت بیشتر جامعه با سبک‌های ارتباط پیش از ازدواج در میان افراد است. این مخالفت و حمایت‌نکردن از این گونه روابط می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مشکلات و مسائل زیاد جوانان پس از ورود به روابط پیش از ازدواج باشد. درمورد انگیزه دختران و پسران از ایجاد روابط می‌توان گفت آن‌ها صرف‌نظر از شکل و اختلافات بدنی، از نظر قوای شعور و عقلانی با هم فرقی ندارند، اما دختران از حیث قوای عاطفی و خلقی، بسیار حساس‌ترند و جنبه هیجان‌پذیری بیشتری دارند. به همین دلیل خیلی زود دلباخته می‌شوند و اگر آمادگی کافی در برخورد و معاشرت با جنس مخالف نداشته باشند، به سادگی فریب زبان‌بازی آن‌ها را می‌خورند و گمراه می‌شوند. بیشتر دخترانی که فریب می‌خورند و آسیب می‌بینند به دلیل میل جنسی تسلیم جنس مخالف نمی‌شوند، بلکه در اثر زودبآوری و حس محبت، دوستی و فداکاری به جنس مخالف تمایل و کشش می‌یابند. درحقیقت می‌خواهند احساس خود را تسکین دهند؛ به‌ویژه دخترانی که در محیطی پرورش یافته‌اند که محبت و توجه کافی به آن‌ها نشده است، اما پسران وقتی به دختری ابراز علاقه و عشق می‌کنند در وهله اول به دلیل ارضای غریزه جنسی و تسکین احساس شهوانی خود هستند (جوادانی، ۲۰۰۷). از سوی دیگر، میزان ارتباط دختران با مردان به دلیل تحولات در چرخه زندگی مانند طولانی‌شدن دوران مجرد، حضور در دانشگاه‌ها، اشتغال و حضور بیشتر در اجتماع و محیط‌های بیرون از خانه افزایش یافته است. این قشر از جامعه در مواجهه با این شرایط معمولاً دچار نوعی تضاد و تنش می‌شوند؛ زیرا از یک سو نمی‌توان در جامعه این دو جنس را کاملاً از هم جدا کرد و از سوی دیگر ابهام در نحوه ارتباط با جنس مخالف و محدوده آن و تمایل غریزی به جنس مخالف سبب افزایش سطح تنیدگی و مشکلات سازشی و رفتاری از جمله رفتارهای پرخطر در آن‌ها می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۷، ۲۹، ۳۳).

منظور از روابط و معاشرت دختر و پسر پیش از ازدواج در این مطالعه، گستره‌ای از روابط میان دو جنس مخالف پیش از ازدواج بدون محرمیت است که با انگیزه‌های گوناگونی مانند صمیمیت، رقابت، دل‌بستگی، فعالیت جنسی، تعهد و مراقبت طرفین صورت می‌گیرد. همچنین در قالب شکل‌های دوستی و قرارهای عاشقانه، دوستی به‌منظور ازدواج، دوستی‌های خیابانی، همخانگی و شکل‌های دیگر تداوم می‌یابد (موحد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۵۲). باید توجه داشت که به‌دلیل پذیرفته‌نشدن دوستی با جنس مخالف و عشق‌هایی از این قبیل در ایران که جامعه‌ای با بنیان‌های قوی فرهنگی و سنتی دارد و در آن دین نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می‌کند. همچنین به‌علت نبود مطالعات کاربردی و آموزش صحیح خانواده‌ها در این زمینه، رابطه با جنس مخالف منجر به آسیب‌های روانی و اخلاقی متعددی برای جوانان و خانواده‌هایشان و ایجاد تعارض میان جوانان و والدین آن‌ها شده است (یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۰۱-۶۱۱)؛ بنابراین شناخت ماهیت این روابط و عوامل تأثیرگذار بر آن، همچنین تعیین حدود صحیح در این روابط از جمله مسائل مهم برای تعلیم و تربیت ماست؛ به‌گونه‌ای که برخی متخصصان مسائل تربیتی معتقدند رابطه دختر و پسر یکی از دغدغه‌های همه اقشار جامعه است (احمدی، ۱۳۸۶). هدف مطالعه حاضر شناسایی زمینه‌های گرایش دختران به روابط پیش از ازدواج از منظر خودشان است. دانشجویان دختر به‌دلیل دوری از خانواده و سکونت در خوابگاه، با تغییرات اجتماعی و فرهنگی خاصی مواجه می‌شوند که با مطالعات کمی امکان رصد و توصیف را ندارد؛ بنابراین با توجه به شرایط فرهنگی و سنتی متفاوت در میان دانشجویان، زمینه‌های اجتماعی گرایش به روابط پیش از ازدواج شناسایی و بررسی شده است.

پرسش‌های پژوهش

مواردی که در پژوهش کیفی از مصاحبه‌شوندگان پرسیده می‌شود، معمولاً بر پایه پرسش‌های محوری تدوین می‌شوند که به بررسی چگونگی رخ‌دادن پدیده، بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری، عوامل مؤثر در بروز پدیده مدنظر، راهبردهای استفاده‌شده در طول فرایند و پیامدهای آن می‌پردازند (کرسول، ۱۳۹۴: ۹۰). براین اساس پرسش‌های محوری این پژوهش عبارت است از:

- هدف دختران از روابط پیش از ازدواج چیست؟
- دختران به چه دلیل به روابط پیش از ازدواج گرایش دارند؟

مرور نظری

هرچند در پژوهش‌های کیفی، قصد فرضیه‌آزمایی و نظریه‌آزمایی مانند آنچه در پژوهش‌های کمی وجود دارد، نداریم، از نظریه‌ها و مفاهیم موجود نظری به‌عنوان چارچوب‌های ارجاعی و استنادی و برای افزایش سطح آگاهی نظری و افزایش حساسیت نظری در تمام مراحل پژوهش، از جمع‌آوری تا تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

نظریه رابطه ناب

مهم‌ترین دگرگونی‌هایی که مدرنیته در روابط دوستانه ایجاد کرده، دوستی با جنس مخالف بوده است. روابط دوستانه با جنس مخالف در جامعه سنتی در قالب مقوله همسرگزینی و ازدواج جای داشته است، اما هرچه جامعه پسااستی توسعه بیشتری یافته، حرکت به سوی آنچه می‌توان آن را رابطه ناب در روابط دوستانه با جنس مخالف، زناشویی و خانواده نامید سرعت بیشتری گرفته است. گیدنز «رابطه ناب» را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خودمرجع می‌داند که تنها وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۵، ۱۳۸۲: ۱۸۹). از دیدگاه او «رابطه ناب» پدیده‌ای است که در شرایط اجتماعی مدرنیته متأخر امکان‌پذیر شده است. او ظهور این رابطه را مسئله‌ای جدید برای عرصه‌های نوین زندگی شخصی می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۱، ۱۹۹۴: ۶۳، ۱۹۹۱: ۱۳۷). تغییر شکل صمیمیت و رابطه ناب که ابتدا در کشورهای غربی و پیشرفته به دنبال تحولات فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و پس از آن به‌طور گسترده‌ای شیوع یافت، امروزه در اثر توسعه وسایل ارتباطی به‌ویژه اینترنت و پیشرفت حاصل از آن، به امری فرهنگی در سطح جهان تبدیل شده است.

نظریه جهانی شدن گیدنز

جهانی‌شدن که گیدنز آن را نتیجه پویای مدرنیته تلقی می‌کند (نش، ۱۳۸۸: ۸۹)، پدیده اجتماعی فراگیر و تأثیرگذاری است که به دنبال موج عظیمی از تحولات شکل گرفته و ساختارهای سنتی، بومی، ملی و بنیان‌های هویتی تمام جوامع بشری را با چالشی بزرگ مواجه

کرده است. این پدیده با گردهم آمدن عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و در رأس همه، توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات که سرعت و دامنه تعامل میان مردم سراسر جهان را تشدید و تقویت می‌کنند، عامل بسیاری از تحولات اجتماعی در زندگی انسان است و بر هویت افراد، روابط شخصی، زندگی خصوصی آن‌ها و... تأثیر می‌گذارد که از بارزترین نمودهای آن تغییر در ماندگارترین عرصه حیات بشر یعنی فرهنگ است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۷۷). از نظر گیدنز جهانی شدن مانند کنش از راه دور است و تشدید آن در سال‌های اخیر به پیدایش وسایل ارتباط جهانی آنی و ترابری انبوه (ارتباطی) مرتبط است. فرایند تجدد، به‌ویژه جهانی شدن این امکان را فراهم می‌کند که انسان‌ها از سلطه مرزهای مکانی رهایی یابند و در گستره بسیار پهناور فضا و زمان با یکدیگر رابطه برقرار کنند (هایدگر، ۱۹۷۱: ۱۶۵؛ گیدنز، ۱۹۹۴: ۴). به عقیده گیدنز در جهان مجازی و سایبری همه مناطق دور و نزدیک جهان به هم مربوط و پیوسته‌اند و این ارتباط و پیوستگی‌ها، آگاهی‌ها را شکل می‌دهند و بنیاد زندگی اجتماعی بشر را در عرصه‌های مختلف دگرگون می‌کنند (میرمحمدی، ۱۳۹۱: ۷۳).

نظریه عشق سیال زیگمونت باومن

نظریه دیگر در پژوهش حاضر، نظریه عشق سیال است. باومن معتقد است در دنیای امروز «رابطه» از داغ‌ترین بحث‌هاست و از این پیوندها با عنوان «عشق سیال» نام می‌برد. وی در کتاب عشق سیال به بررسی روابط انسانی میان زنان و مردان می‌پردازد و بر شکنندگی این پیوندهای انسانی در دوران مدرن تأکید می‌کند. وی معتقد است در عصر حاضر زنان و مردان به شدت محتاج «ایجاد رابطه» هستند، اما از این مسئله هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند، آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهای متعدد کند و به سلب آزادی آن‌ها منجر شود. از نظر وی، انسان‌های امروزی رابطه می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعه سیال مدرن، افراد هیچ‌گونه پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند هستند. افراد در جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرایانه مانند کمک فوری در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین در هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای سریع نیازی مانند نیاز جنسی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه انتظار منفعت دارند، اما

وی معتقد است سرمایه‌گذاری در رابطه خطرناک است؛ زیرا یک رابطه هم جنبه‌های مثبت دارد و هم جنبه‌های منفی و نمی‌توان آن را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع باشد. معمولاً این جنبه‌های خوب و بد هم‌زمان در رابطه وجود دارند (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰-۳۷).

روش پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی با رویکرد کیفی است. برخلاف پژوهش کمی که پژوهشگر با نظریه‌ای مشخص و فرضیه‌های کاملاً تعریف‌شده سروکار دارد و درصد آزمون آن‌هاست، در روش کیفی می‌خواهد از خلال مطالعه فرایندهای اجتماعی به درک نظری از واقعیت برسد و چارچوب مفهومی جدیدی را تدوین کند (اووه، ۱۳۸۷: ۱۱۳). در پژوهش حاضر، به‌منظور دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از روش کیفی و برای گردآوری داده از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. همچنین انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انجام شد و تعیین حجم نمونه با استفاده از معیار اشباع نظری صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل تماتیک استفاده شد. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، دانشجویان دختر ساکن خوابگاه در شهر ارومیه در سال ۱۳۹۷ هستند. همچنین از آنجا که حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی به‌شدت با سطح اشباع داده‌ها ارتباط دارد، حجم نمونه پژوهش کاملاً مشخص و ازپیش تعیین‌شده نبود؛ بنابراین پس از ۱۵ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد و برای حصول اطمینان مصاحبه تا ۱۷ نفر ادامه یافت.

یافته‌ها

مشارکت‌کنندگان این پژوهش ۱۷ جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله با قومیت‌های مختلف از جمله ترک، کرد، فارس و بلوچ بودند که در مقطع کاردانی تا کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند و با جنس مخالف رابطه داشتند. میانگین سنی آن‌ها ۱۹ بود و همه آن‌ها تماس جسمی را هنگام رابطه تجربه کرده بودند. نتایج نشان می‌دهد به‌طور میانگین هر فرد با حداقل ۲ تا ۴ نفر از جنس مخالف رابطه دوستی داشته است. کمترین سن شروع رابطه با جنس مخالف ۱۴ و بیشترین سن ۲۰ بود. میانگین شروع رابطه با جنس مخالف در میان مشارکت‌کنندگان نیز ۱۷ بود.

یافته‌های تحلیلی

در مصاحبه‌های عمیق با دختران دانشجوی ساکن خوابگاه برای پاسخ به علل گرایش به جنس مخالف، به سه مقوله کلی دست یافتیم. نخست اینکه گرایش به جنس مخالف با نگرش افراد (نسبت به رابطه با جنس مخالف) ارتباط مستقیمی دارد. به عبارت دیگر اینکه تعریف و هدف هر فرد از رابطه چیست، می‌تواند تعیین‌کننده میزان گرایش وی به این نوع ارتباط باشد. از سوی دیگر ممکن است علل متفاوتی بر شدت و نوع گرایش افراد اثرگذار باشد. در نهایت نیز نوع رابطه و علل گرایش به جنس مخالف به‌عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده پیامدهایی برای رابطه با جنس مخالف دارد. در جدول ۲ گرایش به ارتباط با جنس مخالف بر مبنای اهداف شناسایی شده و علل گرایش آمده است.

نتایج مراحل کدگذاری و مقوله‌بندی

ردیف	مفاهیم اولیه	تم فرعی	تم اصلی
۱	رابطه بر مبنای شناخت - رابطه بر مبنای ازدواج - رابطه بر مبنای فریب - رابطه بر مبنای دوستی - رابطه بر مبنای خوش‌گذرانی و کسب لذت - رابطه بر مبنای فریب	نوع‌شناسی رابطه بر مبنای هدف	۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹
	تأثیر شبکه‌های اجتماعی - رسانه‌های نوین - تغییر نگرشی و ارزشی (تغییر در نگرش و ارزش‌های مذهبی) - نیاز عاطفی / جسمی / جنسی - فشار و تأثیر هم‌سالان و دوستان - خلأ عاطفی (دوری از خانواده) - کیفیت روابط والد - فرزندی - ترس از مجرد - کاهش نظارت و کنترل والدین - دگرگونی معیار ازدواج - نبودن سرگرمی سالم و جذاب - افزایش کیفیت رابطه	علل گرایش (در سطح فردی، اجتماعی و فرهنگی)	

نوع‌شناسی هدف مشارکت‌کنندگان از رابطه با جنس مخالف

در این پژوهش اهداف شکل‌گیری روابط پیش از ازدواج در سه دسته ارائه شده است؛ هدف شناخت، هدف ازدواج و اهداف مقطعی و زودگذر. پاسخگویانی که هدف خود را شناخت یا ازدواج می‌دانند، معمولاً از خانواده‌های سنتی هستند و اعتقادات دینی و باورهای مذهبی دارند. این پاسخگویان اگر دچار اشتباه یا هنجارشکنی شوند سعی می‌کنند عمل خود را توجیه کنند تا به باورها و اعتقاداتشان لطمه‌ای وارد نشود. از سوی دیگر، غیر از هدف رابطه، عللی که

پاسخگویان به رابطه با جنس مخالف گرایش دارند مهم است. در این پژوهش علل رابطه با جنس مخالف نیز دسته‌بندی شده است. نکته مهم این است که میان هدف ارتباط، علت گرایش و پیامدهای واقع شده یا محتمل ارتباط معناداری وجود دارد.

نوع‌شناسی رابطه بر مبنای هدف

از نظر پاسخگویان، ارتباط با جنس مخالف می‌تواند بر مبنای هدف ارتباط، اشکال مختلفی داشته باشد. در هر شکل، دوستی و رابطه با جنس مخالف، انتظارات، توقعات و پیامدهای خاص خود را خواهد داشت. همان‌گونه که در جدول ۲ آمده، نوع‌شناسی رابطه با جنس مخالف با توجه به نتایج این پژوهش و روایت پاسخگویان به شرح زیر است.

رابطه بر مبنای شناخت

برخی پاسخگویان دوستی با جنس مخالف را با هدف شناخت بیشتر از ویژگی‌های جنس مخالف بیان کرده‌اند. آن‌ها معتقدند ارتباط با جنس مخالف می‌تواند افق بهتری برای تصمیم‌گیری به آن‌ها بدهد و برای ارتباط خود وجه مثبت شناخت را مطرح می‌کنند؛ برای مثال لادن ۲۲ ساله می‌گوید:

«به نظر من یک تجربه است. آره شاید لازمه. به نظرم هر دختری باید قبل

ازدواج این تجربه رو داشته باشه که پشیمون نشه بعد ازدواج. (چرا) برای

اینکه لازمه جنس مخالفش رو بشناسه. جنس مخالف فقط باباش نیست. تو

این دوره و زمونه به‌نظرم لازمه. شاید انتخاب بهتری بکنه. می‌دونید که جنس

مخالفمون خیلی تفاوت با ما دارن».

براساس یافته‌های پژوهش، از نظر مصاحبه‌شوندگان رابطه دوستی در دوران قبل از ازدواج می‌تواند منجر به این شود که دختران در ارتباط با پسران تجربیاتی به دست بیاورند و بدانند در مقابل مردان چگونه رفتار کنند. تحلیل داده‌ها بیانگر این است که پاسخگویان معتقدند تجربه دوستی با جنس مخالف می‌تواند موجب شناخت بیشتر شود و علاوه بر افزایش شناخت، زمینه ارتباط بهتر و مؤثرتر را در آینده و در زندگی با همسرشان فراهم کند.

رابطه بر مبنای ازدواج

در میان پاسخگویان این پژوهش، دختران هدف خود را از ارتباط با جنس مخالف شکل‌گیری

پیوند ازدواج بیان کردند. آن‌ها معتقدند یکی از علل گرایش به ارتباط با جنس مخالف یافتن مورد مناسب برای ازدواج است و بر این تأکید می‌کنند که قصد خوش‌گذرانی موقتی با یک پسر را ندارند. کسانی که با هدف ازدواج وارد رابطه با جنس مخالف می‌شوند یا به این روابط گرایش دارند، معمولاً مخالف پیشرفت رابطه به روابط جسمی و جنسی هستند. مریم ۱۹ ساله می‌گوید:

«روابط دوستی آگه از حدش نگذره خوبه. وارد روابط جنسی نشی. واقعاً اگر کسی تو رو می‌خواد به قصد ازدواج باشه واردش بشی. همه دخترا به نظرم نیتشون اینه برای ازدواج.»

در روابطی که با هدف ازدواج شکل می‌گیرد، پاسخگویان دو دسته آسیب یا مسئله را روایت می‌کنند. از یکسو رابطه مبتنی بر ازدواج به دلیل داشتن هدف مشخص کمتر به روابط نزدیک و بدون چارچوب منجر می‌شود و از سوی دیگر، دخترانی که با هدف ازدواج وارد این ارتباطات می‌شوند و بعد از گذشت مدت‌زمان نسبتاً زیادی متوجه می‌شوند قصد پسران از رابطه ازدواج نبوده است، با آسیب‌های روحی و روانی شدیدی مواجه و به مردان بدبین می‌شوند. در نتیجه در تصمیم برای ازدواج مردد می‌شوند. به عبارت دیگر دخترانی که با هدف ازدواج وارد روابط دوستی می‌شوند، اگر آسیب‌هایی جدی متحمل شوند، ممکن است تصمیم به دوستی بگیرند و از ازدواج صرف‌نظر کنند.

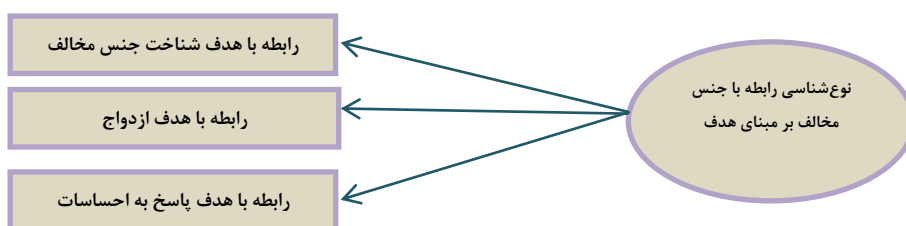
رابطه بر مبنای احساسات مقطعی

برخی دختران هدف خود برای رابطه با جنس مخالف را مسائل زودگذر و مقطعی روایت می‌کنند. دخترانی که از سر خلاً عاطفی، نداشتن فراغت، تنهایی، دور شدن از خانواده، مشکلات مالی و... وارد دوستی با جنس مخالف می‌شوند، در واقع هیچ هدف مشخصی برای این ارتباط ندارند. صدف ۱۹ ساله می‌گوید:

«یک پسری مغازه داشت روبه‌روی خونمون. رابطه‌مون ۵ ماه طول کشید؛ چون از اولش می‌گفت نمی‌شه فقط برای دوستی و سرگرمی؛ چون ۱۲ سال با هم تفاوت سنی داشتیم. اینم چون گفت فقط دوستی کم‌کم از هم سردتر شدیم و...»

بر اساس گفته‌های صدف، اگر رابطه‌ای مبتنی بر هدف خاصی نباشد، معمولاً افراد با هرکسی و در هر شرایطی وارد ارتباط می‌شوند و برای این رابطه حدوداً خاصی قائل

نخواهند بود. این نوع رابطه می‌تواند پیامدهای منفی بیشتری را به دختران جوان تحمیل کند. این دختران بدون هدف به دنبال «هر چه پیش آید» می‌روند و زمانی که به خود می‌آیند، هزینه‌های زیادی را صرف رابطه خود کرده‌اند؛ هزینه‌هایی که به راحتی جبران نمی‌شود.



شکل ۱. نوع‌شناسی اهداف روابط پیش از ازدواج

علل گرایش افراد به روابط پیش از ازدواج

با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش علل روابط پیش از ازدواج از نگاه دختران بررسی و شناسایی شده است.

علل فردی

الف) نیاز عاطفی

یکی از نیازهای اساسی جوانان نیازهای عاطفی است که دیگر نیازها و حتی رفتارهای جوانان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از سوی دیگر، تغییرات فضای اجتماعی، فشارهای زندگی را افزایش داده و به تبع فشارهای اجتماعی مانند دوری از خانواده، مسائل اقتصادی و... نیازهای عاطفی افراد نیز تشدید شده است. جامعه نیز راهکارهای مناسبی برای پاسخ مناسب و هنجارمند برای همه ندارد؛ از این رو تغییرات ساختاری جامعه در عرصه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی، امکان پاسخگویی این نیازها را با مشکل روبه‌رو کرده است. دختران جوان نیز به دلایل گوناگون امکان دسترسی به کانال‌های مشروع و مناسب برای تأمین نیازهای عاطفی خود ندارند. گفته‌های مهری ۲۷ ساله مؤید این مطلب است:

«تو ۲۴ و ۲۵ سالگی احساس می‌کنی خلئی داری. می‌خواهی پرش کنی و دیگه

نوازش مادر و بودن پدر و برادر برات کافی نیست. به جایی می‌رسی که فکر می‌کنی این خلأ رو باید یکی دیگه پر کنه».

براساس نتایج پژوهش زمانی که خانواده نتواند نقش اساسی خود را در ارتباط با نوجوانان و جوانان به‌خوبی ایفا کند و به‌اصطلاح خلأ عاطفی در روابط میان والدین و فرزندان ایجاد شود، زمینه‌های گرایش آن‌ها به آسیب بیشتر می‌شود. لیلا ۱۸ ساله می‌گوید:

«شاید به خاطر نیازهای عاطفی بود که وارد رابطه شدم. خصوصاً در این مرحله (تو خوابگاه) که دور از خانواده‌ای وارد این رابطه می‌شی. شده بود که وسطا تو تعطیلات می‌رفتم خونه اصلاً یادم نمی‌افتاد که یکی هست. خلأ عاطفی رو آدم احساس می‌کنه».

براساس یافته‌های پژوهش یکی از مواردی که سبب برقراری ارتباط دوستی با جنس مخالف در نوجوانان دختر می‌شود، داشتن خانواده غیرمنسجم و به‌هم‌ریخته از نظر عاطفی است. زمانی که دختر نوجوان محبت کافی از والدین نمی‌بیند یا گرفتار تنهایی می‌شود، به جبران ضعف‌های خود در بیرون خانواده و نزد جنس مخالف خود می‌پردازد. بدین‌وسیله از نظر عاطفی ارضا می‌شود و به‌دلیل وابستگی شدید عاطفی و داشتن احساسات شیرین و لذت‌بخش از رابطه و القای امید و آرامش از جانب پسر، رابطه را ادامه می‌دهد. در بیشتر موارد نیز با وعده ازدواج پسر، این رابطه با اطمینان بیشتر و گاهی تا چندین سال ادامه می‌یابد.

ب) نیاز جنسی

یکی از نیازهایی که زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط با جنس مخالف در جوانان می‌شود، نیاز جنسی آن‌هاست. بیداری غریزه جنسی دختر و پسر در مقطع نوجوانی و شدت تحریکات جنسی در جامعه (نه فقط به‌دلیل تنزل وضعیت حجاب، بلکه به‌علت گسترش رسانه‌هایی مانند ماهواره، اینترنت و شبکه‌های ارتباطی که تصاویر و اطلاعات دقیق جنسی را به‌آسانی در اختیار نسل جدید قرار می‌دهد)، امری است که توصیه به حرمت روابط آزاد را تا اندازه‌ای بی‌اثر کرده است (سوزنچی، ۱۳۹۲)؛ به‌طوری‌که فشارهای ناشی از این نیاز افراد را به سمت توجیهات بی‌منطق برای پاسخگویی به این مسئله هدایت می‌کند. مریم ۱۹ ساله می‌گوید:

«بدون اینکه مامانم اینا بفهمن، یک سال رابطه داشتیم. این بار با هم می‌رفتیم

کافه و بیرون. دست همو می‌گرفتم و بغلم می‌کرد. اون بوس کرد من نه. من عکس‌العملی نشون نمی‌دادم. خوشم می‌ومد... ممانعتم نمی‌کردم».

این روابط، به شکل دوستی دختر و پسر و ارضای نیازهای خارج از حوزه ازدواج و خانواده، نگرانی جامعه‌شناسان را برانگیخته است. بدیهی است انسان تا زمانی که به نیازهای خود پاسخ نگوید، به آرامش روحی و روانی نخواهد رسید، اما چنانچه این پاسخ از مجرای صحیح و مناسب خود داده نشود، نه تنها آرامشی ندارد، بلکه سبب به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

ج) ترس از مجرد

دختران جوان با توجه به جامعه‌پذیری خود، ازدواج را یکی از مراحل مهم زندگی خود می‌دانند؛ از این رو به تعویق افتادن این امر علاوه بر فشارهای اجتماعی می‌تواند فشارهای روانی بسیاری داشته باشد. از سوی دیگر، پایین آمدن سن بلوغ و افزایش سن ازدواج در جامعه، سبب شکل‌گیری این‌گونه روابط شده است و همین روابط به مرور نهاد خانواده و ازدواج را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. افزایش تعداد مجردها و سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج و... از جمله این موارد است. همین مسئله نگرانی‌هایی را برای خانواده‌ها و به‌ویژه دختران ایجاد کرده است. شادی ۲۹ ساله می‌گوید:

«دخترایی که در آن واحد با چند تا پسر دوستن، یا خیلی جدی به روابط فکر نمی‌کنن، یا به هیچ‌کدوم حس واقعی ندارن. گاهی از بعضی دوستانم که اینجورین از شون که می‌پرسم چرا؟ می‌گن اگه این یکی به ازدواج منتهی نشد، این یکی رو هم نگه می‌دارم به‌عنوان زاپاس... (تا یکی از این موارد منجر به ازدواج بشه)».

ترس از مجرد ممکن است موجب شود تا دختران تحت فشارهای روانی آسیب بیشتری ببینند یا پسران به‌دروغ با وعده ازدواج آن‌ها را فریب دهند. این‌گونه روابط ممکن است از جانب دختران با اطمینان بیشتری ادامه یابد و گاهی تا چندین سال یا چندین ماه به طول انجامد. این امر سبب وابستگی شدید عاطفی و ضربه روحی و روانی، افسردگی، بی‌اعتمادی و حتی گاهی بیزاری از جنس مخالف می‌شود.

علل اجتماعی

الف) کاهش کنترل و نظارت خانواده (اختلال در روابط خانوادگی)

یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار در ادامه ارتباط با جنس مخالف، بی‌اطلاعی و بی‌تدبیری والدین است. در نمونه‌های بررسی شده مشخص شد که پدر از ارتباط دختر خود بی‌اطلاع بوده است. این مسئله وقتی با بی‌تدبیری یا انفعال مادر همراه باشد، مشکلات بیشتری دارد. گاهی مادر تحت تأثیر احساسات مادرانه خود ابراز مخالفت چندانی نمی‌کند و حالت انفعالی به خود می‌گیرد. گاهی نیز مخالف است، اما تدبیر صحیح را نمی‌داند. از سوی دیگر، برخوردهای خشن و بدون تأمل پدر سبب ترس در خانواده می‌شود که در نتیجه آن دختر و مادر، پدر خانواده را در جریان قرار نمی‌دهند، بدین ترتیب دختر مهم‌ترین حامیان خود را که می‌توانستند نقش مشاوره خوب را ایفا کنند، از دست می‌دهد و ارتباط وی بدون کوچک‌ترین راهنمایی و تدبیر از طرف والدین ادامه می‌یابد. زهره ۱۹ ساله می‌گوید:

«به مامانم گفتم، یکم دعوا کرد و بابام هیچ وقت متوجه نشد. اگه می‌فهمید دیگه نمی‌داشت دانشگاه بیام. بابام راضی به این جور روابط نیست. از نظر اونا پسری که آدمو بخواد میاد خواستگاری».

وقتی دختر از مادر پدر و به‌ویژه پدر محبت کافی نمی‌بیند، با برقراری ارتباط با جنس مخالف احساس می‌کند انگیزه دوباره‌ای برای زندگی یافته و از یکنواختی و روزمرگی رها شده است. در واقع ارتباط با جنس مخالف جایگزین ارتباط با پدر می‌شود و تمامی نیازهایی که باید در ارتباط با پدر تأمین شود، از جنس مخالف مطالبه می‌شود. پریسا ۲۵ ساله می‌گوید:

«منم بار اولم بود با پسر حرف می‌زدم. خیلی دوسش داشتم و بعد ۶ ماه داداش کوچیکم یواشکی حرفامو گوش کرده بود و بعد من رفتم زیر کتک. این قدر منو زدن و گوشیمو ازم گرفتن. بابام و خانوادم از اون موقع عوض شدن و کل زندگی من رفت زیر سؤال و هنوزم اوضاع همین طوره. الان ۳ ساله بابام باهام سر همین موضوع قهر».

براساس گفته‌های پریسا، وجود خانواده اقتدارگرا به دلیل نبود تعامل سازنده در میان اعضای خویش و محدودیت‌های فراوان برای دختران می‌تواند به ایجاد احساس تنهایی و

انزوای عاطفی آنان منجر شود. این دختران در خانواده‌های مذکور از نداشتن ارتباط صمیمانه با والدین خویش حکایت می‌کنند؛ از این‌رو روابط عاشقانه را برای یافتن نوعی حمایت عاطفی انتخاب می‌کنند و در این حالت این روابط برای آن‌ها معنایی جز «ملجأ عاطفی» نمی‌یابد. کنترل و نظارت والدین یکی از عوامل مهم در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی فرزندان است؛ به طوری که گرایش به این‌گونه روابط را کاهش می‌دهد. البته کنترل و نظارت والدین باید مسیر منطقی و متناسب با شرایط آن‌ها را داشته باشد. کنترل بیش‌ازحد به‌اندازه نداشتن کنترل می‌تواند آسیب‌زا باشد.

ب) فشار و تأثیر هم‌سالان و دوستان

گروه دوستان و هم‌سالان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع جوانان در جامعه است. تأیید یا رد رفتار جوانان از سوی دوستان و هم‌سالان می‌تواند در تقویت یا تضعیف رفتار مؤثر باشد؛ زیرا هویت هر فرد در گروه شکل می‌گیرد و خانواده و دوستان بیشترین رابطه عاطفی را با فرد دارند. فشار دوستان و هم‌سالان یکی از چند عامل مهم گرایش به روابط دوستی با جنس مخالف است. زهره ۱۹ ساله می‌گوید:

«دخترعموم هم‌سن من بود و دوست‌پسر داشت. می‌گفت چیه مگه؟ تو هم دوست شو. می‌دیدم یکی بفکرشه و نگرانشه. دوست داشتم من تجربه کنم. تا اون (دوست‌پسرم) بهم پیشنهاد داد، قبول کردم».

از مصاحبه زهره می‌توان دریافت زمانی که الگوی رفتاری خاصی در گروه رایج شود، اعضا به تبعیت از آن اقدام می‌کنند. آن‌ها به همه‌گیر شدن روابط دوستانه در میان دوستانشان اشاره کرده‌اند. در نتیجه متأثر از این فشارها، به ارتباط با جنس مخالف اقدام می‌کنند. صدف ۱۹ ساله می‌گوید:

«چون می‌بینی اون دوست‌پسر دارن، قریون صدقه‌شون می‌رن، با خودت می‌گی کاش منم داشتم. اون موقع سیم‌کارت نداشتم. دوستام گفتن بابا برو یواشکی سیم‌کارت بگیر. یواشکی گرفتم و با اولین دوست‌پسرم اون‌طوری رابطه برقرار کردم».

براساس روایات صدف، او خود را با گروه دوستان و هم‌سالان مقایسه می‌کند و از رفتار و الگوهای رفتاری آن‌ها تأثیر می‌گیرد؛ به طوری که مقلد رفتارهای آن‌ها می‌شود و برای کسب منزلت

و قدرت براساس معیارهای آن گروه رفتار می‌کند. حتی در روابط، دوستان یکدیگر را همراهی و تشویق می‌کنند و به‌نظر می‌رسد تشویق دوستان اثر مثبتی بر رفتارهای مصاحبه‌شوندگان دارد. وجود روابط عاشقانه نزد دوستان و هم‌سالان و فقدان این روابط نزد شخص می‌تواند به‌نوعی فشار ساختاری ضمنی، احساس محرومیت و نیاز عاطفی کاذب در دختران در جهت رفع این نیاز همراه با الگوبرداری از گروه دوستان منجر شود. گاهی نیز دگرگونی‌های ارزشی در فرد ممکن است با مشاهده دیگرانی که الگو و گروه‌های مرجع فرد هستند، مانند خانواده و دوستان ایجاد شود. در این صورت فرد از رفتارهای مشاهده‌شده تأثیر می‌پذیرد و با الگوگرفتن از آن گروه‌ها، رفتارهایشان را تقلید می‌کند.

ج) تأثیر شبکه‌های اجتماعی

همه دختران به نقش مهم و تسهیلگر تلفن همراه و امکانات ارتباطی آن به‌عنوان ابزار صحبت و هماهنگی ملاقات حضوری اشاره کرده‌اند. زهره ۱۹ ساله می‌گوید:

«۱۷ سالم بود دبیرستان نمونه درس می‌خوندم. بالکن خونه پسر طرف حیاط مدرسه ما باز می‌شد. شماره انداخت. موقع امتحان یواشکی گوشی برده بودیم. گفت تک بزن شماری بیفته. منم زدم همون‌جا. همو دوست داشتیم. پسره اون موقع ۲۰ سالش بود. تلفنی حرف می‌زدیم».

معمولاً دختر و پسر از طریق تلفن همراه و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند. دو جنس در این فضا به‌راحتی در دسترس یکدیگر هستند و می‌توانند با هم خلوت کنند، گفت‌وگوهای صمیمانه داشته باشند و محتوای دلخواه خود مانند عکس و فیلم و صوت را به یکدیگر انتقال دهند؛ به‌طوری‌که در فضای مجازی آزادی کامل و بدون نظارت حکم‌فرماست. همه شرکت‌کنندگان در اظهاراتشان تلفن همراه و امکانات ارتباطی آن را ابزار صحبت و هماهنگی ملاقات حضوری دانسته‌اند که اولین عامل فراهم‌کننده موقعیت دوستی در نوجوانان و جوانان است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر این گرایش‌ها و نحوه و نوع آن، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین است که به آشنایی و تقویت روابط می‌انجامد و اشکال گوناگون ارتباطات را میان کنشگران تسهیل می‌کند. با پیدایش روابط و دوستی‌های اینترنتی، جوانان به این دوستی‌ها جذب می‌شوند. کاربران نیز می‌توانند در چت‌روم‌ها و شبکه‌های مجازی

دوستان جدیدی پیدا کنند و باهم به گفت‌وگو بپردازند. در مواردی نیز این دوستی‌ها به دنیای واقعی کشیده می‌شود و حتی به ملاقات رودررو می‌انجامد. لیلا ۱۸ ساله می‌گوید:

«تو گروه تلگرام با هم آشنا شدیم. ۲۲ ساله و دانشجویست و بعد چند روزی ۱

یا ۲، ۳ روزی باهم قرار گذاشتیم و همدیگر دیدیم، خوب اگر تلگرام یا گروه

تلگرامی نبود، من اون روز با اون دوست نمی‌شدم».

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد فضاهای مجازی امکان ارتباط بدون نظارت دیگران را برای جوانان فراهم می‌کند و قابلیت اثرگذاری بر فرایند اجتماعی شدن و روابط نقشی نوجوانان و جوانان را دارد. همچنین از نظر مصاحبه‌شوندگان، این شبکه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای رایج و تسهیلگر این‌گونه روابط نیز بوده است؛ به طوری که جوانان همواره در روابط خود از این شبکه‌ها بهره می‌برند. به نظر می‌رسد هرچه بیشتر از این فناوری‌ها استفاده شده است، جوانان گرایش مثبت‌تری به دوستی با جنس مخالف داشته‌اند.

علل فرهنگی

الف) دگرگونی معیارهای ازدواج

برخی دختران بر اطمینان از ارضای نیازهای عاطفی، روحی و جسمی در زندگی آینده تأکید دارند. می‌توان گفت دختران، در جست‌وجوی روابط عاطفی صمیمانه و به‌زعم گیدنز، به دنبال یافتن رابطه‌های ناب و اطمینان از حفظ رابطه ناب در آینده هستند. شیما ۲۲ ساله می‌گوید:

«ترجیح می‌دم طرف مقابل رو خودم پیدااش بکنم؛ چون دیگه تو دوره و

زمونهای زندگی نمی‌کنیم که چشم و گوش بسته باشیم».

فاطمه ۲۴ ساله نیز می‌گوید:

«حول و حوش ۴ سال پیش، خانوادم خیلی تأییدش می‌کردن، ولی خوب هیچ

حسی بهش نداشتم. با خودم فکر می‌کنم اگر سستی ازدواج کنم خانوادم حامی

منن؛ چون اونا انتخاب کردن، اما چون حسی به پسر ندارم باز بحث خیانت

پیش میاد. چیزی که تو ایران الان رایج شده. از طرفی خودم دوستی دختر و پسر

رو قبول دارم؛ چون خودم انتخابش کردم، دوستش دارم و بهش حس دارم».

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد معیارهای ازدواج نزد دختران مورد مطالعه تغییر کرده است. آنان دیگر نمی‌خواهند به انتخاب والدین یا در چارچوب سنت‌ها ازدواج کنند. مصاحبه‌شوندگان به ضرورت و اهمیت عشق قبل از ازدواج تأکید دارند و معتقدند عشق چیزی نیست که با خانه‌نشینی حاصل شود، بلکه به‌وجود آمدن آن، نیازمند رابطه‌ی دوستانه قبل از ازدواج است.

ب) تغییر در نگرش و ارزش‌های دینی

از نظر اینگلههارت، زمینه‌ی جامعه‌پذیری ارزش‌ها که دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد، مبین این است که ارزش‌های اجتماعی یک‌شبه تغییر نمی‌کنند و دگرگونی اساسی آن‌ها، به تدریج و به‌طوری نامحسوس روی می‌دهد. از این نظر دگرگونی فرهنگی تدریجی است و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های زیسته‌ی جوانان وجود دارد که به نسل‌های مختلف شکل داده است. مهری ۲۷ ساله می‌گوید:

«من نماز می‌خوندم و اعتقاد دارم، اما الان نمی‌خونم. بنا با دلایلی. از تنبلی و بی‌حوصلگی که لاک دارم و حوصله ندارم پاک کنم. روزه‌ام سعی می‌کنم بگیرم. به نظرم حجاب هم به این نیست که خودتو باندپیچی کنی و سفت و چادر و... به نظرم حجاب در حدی که یک پسر رو اذیت یا تحریک نکنی... من از مانتو کوتاه و بدن‌نما بدم میاد. لباسای گشاد و شل دوست دارم. اعتقادمم این نیست کسی که محجبه است آدم خوبیه؛ مثلاً رئیس دانشگاهمون مانتویی بود، چادری‌ها اعتراض کردند، اما خیلی کارای مفیدی برامون کرد. باعث شد هزینه غذامون بیاد پایین‌تر... و خیلی کارای دیگه. با اینکه چادری نبود. نجابت باید بیشتر رفتاری باشه».

نتایج پژوهش نشان می‌دهد تغییر نگرش و ارزش در سال‌های اخیر چشمگیر بوده است. این مسئله پیامدهایی از جمله ناهنجاری اخلاقی، افسردگی، کاهش ارتباط با خدا و رواج بی‌بندوباری را به‌همراه دارد که باید خانواده‌ها و مسئولان چاره‌ای برای آن بیندیشند.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، افرادی که بر مبنای شناخت به روابط با جنس مخالف گرایش

داشتند، یکی از جنبه‌های مثبت رابطه با جنس مخالف را شناخت روحیات طرف مقابل بیان می‌کردند. درباره مبنای ازدواج پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان مبین این مطلب است که دلایل گرایش آن‌ها به این روابط شکل‌گیری پیوند ازدواج است که این امر مانع از پیشرفت رابطه در جهان روابط جنسی و جسمی می‌شود. ممکن است این دختران به ازدواج در چارچوب سنت‌ها علاقه‌ای نداشته و بر اهمیت عشق قبل از ازدواج تأکید داشته باشند. آن‌ها معتقدند لازمه به‌وجود آمدن عشق برقراری رابطه دوستانه است. به‌زعم گیدنز می‌توان گفت دختران مذکور در جست‌وجوی رابطه‌های ناب و اطمینان از حفظ رابطه ناب در آینده هستند. رابطه ناب رابطه‌ای است که تنها به‌دلیل نفس رابطه و آنچه رابطه برای هر دو طرف به ارمغان می‌آورد جست‌وجو می‌شود. این رابطه برخلاف پیوندهای شخصی یا خصوصی در جامعه سنتی، وابسته به عوامل برون از زندگی اجتماعی نیست و چنان می‌نماید که گویی در فضایی شناور است. در جوامع مدرن، الزام‌های بیرونی و ازپیش‌ساخته که بر ازدواج حاکم بود، در حال ریشه‌کن شدن است؛ پدیده‌ای که در اصل همراه با ظهور عشق و علاقه‌های رماتیک و تخیل‌آفرین به‌عنوان انگیزه اساسی ازدواج شکل گرفته است. بدین ترتیب ازدواج بیش‌ازپیش به شکل رابطه‌ای درآمده است که دلیل پیدایش آن احساس رضایت عاطفی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۳۲)؛ درحالی‌که دختران پس از گذشت مدت‌زمان نسبتاً زیادی متوجه شدند قصد پسران از این روابط ازدواج نیست. این امر سبب بی‌اعتمادی به جنس مخالف می‌شود که یکی از پیامدهای آن استمرار روابط دوستی به‌منظور یافتن مورد ازدواج است. این مسئله نیز به‌صورت آسیب‌های روحی و روانی که به‌صورت شکست و بیم و امید درباره آینده جلوه‌گر شده‌اند، نمایان می‌شود؛ زیرا با طولانی‌شدن رابطه، آن‌ها امیدوار خواهند شد که این ارتباط به ازدواج منتهی می‌شود. درنتیجه دختران به خیال‌پردازی و رؤیاپردازی درباره آینده خود با پسر و مشغولیت فکری او می‌پردازند، اما در کنار این امید، ترس از برهم‌خوردن رابطه نیز وجود دارد؛ زیرا اوقات زیادی را با جنس مخالف به‌وسیله فناوری‌های جدید ارتباطی سپری می‌کنند، به‌تدریج به پسر وابسته می‌شوند و تحمل دوری او را ندارند. دخترانی که به‌دلیل خلأ، نیاز عاطفی، تنهایی و دوری از خانواده به این‌گونه روابط گرایش پیدا می‌کنند، دوستی آن‌ها بر مبنای احساسات مقطعی و بدون هدف است. آن‌ها به‌منظور لذت‌طلبی، وقت‌گذرانی و خوشی

و بدون دوست داشتن و انگیزه ازدواج به این روابط مبادرت می‌ورزند. از دیدگاه آن‌ها لازمه برقراری رابطه با جنس مخالف تنها وجود رابطه دوستانه صرف است که به‌طور کلی ارزیابی مثبتی به این‌گونه روابط وجود ندارد. آن‌ها برخلاف ارزش‌ها و آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی وارد این روابط می‌شوند و ارزش‌های متفاوتی را جایگزین ارزش‌های سنتی معطوف به روابط بین دو جنس می‌کنند و لزومی نمی‌بینند کماکان در چارچوب سنت‌ها به ارزیابی این‌گونه روابط بپردازند. هسته اصلی رفتارها در این تیپ نسبی‌گرایی در عشق، سطحی بودن روابط، لذت‌طلبی و تعدد دوستان پسر است که برخی دلیل آن را انتقام‌گیری از پسران به خاطر شکست در اولین رابطه عاشقانه خود و سوءاستفاده و فریب اعلام کردند. در این الگو افراد با مشاهده پایدار نبودن روابط عاشقانه نتیجه گرفتند که عشق امری نسبی است و رابطه دوستانه سطحی با جنس مخالف جایگزین بهتری برای روابط دوستی عاشقانه است.

یافته‌های پژوهش در مورد علل گرایش افراد به رابطه با جنس مخالف نشان‌دهنده عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی است. این عوامل عبارت‌اند از: ترس از تجرد و نیاز و خلأ عاطفی، کاهش کنترل و نظارت خانواده و تأثیر گروه هم‌سالان و نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های افراد.

بیشتر مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند اولین و مهم‌ترین عاملی که آن‌ها را به برقراری این‌گونه روابط سوق می‌دهد، گروه دوستان و هم‌سالان است. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد دختران مورد مطالعه خود را با گروه دوستان و هم‌سالان مقایسه می‌کنند و متأثر از رفتار و الگوهای رفتاری اعضای آن قرار می‌گیرند؛ به‌طوری‌که رفتار آن‌ها را تقلید و برای کسب منزلت و قدرت مطابق معیارهای آن گروه رفتار می‌کنند. زمانی که الگوی رفتاری خاصی در گروه رایج شود، اعضا به تبعیت از آن اقدام می‌کنند. آن‌ها به همه‌گیر شدن روابط دوستانه در میان دوستانشان اشاره کرده‌اند. در نتیجه تحت تأثیر این فشارها، به ارتباط با جنس مخالف اقدام می‌کنند. در واقع دختران مورد مطالعه در کنش متقابل با دوستانی که درگیر رابطه دوستانه و رابطه جنسی با جنس مخالف شده‌اند، به هم‌نوایی با آن‌ها اقدام کرده‌اند. یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر در گرایش به روابط دوستی با جنس مخالف، خانواده است. نتایج تحلیل مصاحبه‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل متعددی از جمله جو نامناسب خانوادگی، پایگاه

اجتماعی و اقتصادی خانواده، سخت‌گیری و تعصبات شدید در دوران نوجوانی و کاهش کنترل و نظارت آنان به دلیل جدایی از خانواده بعد قبولی در دانشگاه‌های در راه دور و حتی برخی به تغییر نگرش والدین در زمینه ارتباط با جنس مخالف به‌ویژه در مادران از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم خانوادگی در برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف است. شرایط نامناسب و نامتعادل خانوادگی برای دختر سبب صدمات روحی وی و کمبودهای عاطفی می‌شود که به این روابط روی می‌آورد و پس از ارتباط و تأمین نیازهای عاطفی از سوی پسر به دلیل لذتی که می‌برد به این روابط ادامه می‌دهد. همان‌طور که نتایج تحلیل مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد، بیشتر دختران به دلیل ترس از پدر و برخوردهای خشن پدر این روابط را پنهان می‌کنند و مهم‌ترین حامیان خود (پدر) را که می‌توانست به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد نقش مشاور خوبی را ایفا کند از دست می‌دهند. در نتیجه بدون تدبیر و راهنمایی والدین به این روابط ادامه می‌دهند، اما در برخی موارد دخترانی که مادران خود را در جریان این امر قرار داده بودند، حمایت و مشاوره مادر را در زمان مواجه شدن با آسیب و خطر دریافت کرده و هرگز وارد روابط جنسی خطرناک نشده بودند. هدف این دختران از این‌گونه روابط، رابطه دوستی بر مبنای ازدواج بود. چه‌بسا والدین به‌عنوان عامل کلیدی در جهت‌دهی و نظارت بر چنین معاشرت‌هایی نقشی بسیار مهمی دارند. خانواده‌ها از سویی با برقرارکردن ارتباطات مؤثر و دوستانه با جوانان می‌توانند مانع گسست فرد از خانواده و ارزش‌ها و نگرش‌های اساسی آن شوند و از سوی دیگر با برطرف کردن بخشی از نیازهای عاطفی آن‌ها در بطن چنین روابطی می‌توانند یکی از انگیزه‌های اساسی برای برقراری چنین معاشرت‌هایی (نیاز عاطفی) را کاهش دهند. افزون بر همه این‌ها، ابعاد نظارتی خانواده مکانیسم بسیار مناسبی است که می‌تواند از آسیب‌های چنین معاشرت‌هایی بکاهد که این امر در پژوهش‌های هاوولی و دهان (۱۹۹۶)، لرنر و بنستون (۲۰۰۳) و روبینز و ترزوینسکی (۲۰۰۵) مدنظر قرار گرفته است.

در سطح کلان، شاهد تأثیر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی بر روابط دوستی با جنس مخالف هستیم. با ورود عصر اطلاعات، رسانه‌های گوناگون نقشی مهم در شکل‌دادن به ذهنیات افراد دارند. رسانه‌ها از کارکرد عمده‌ای در تفسیر مردم از بایدها و نبایدها، ادراک آنان از محیط اجتماعی-فیزیکی و به‌طورکلی نگرش جامعه به ارزش‌های اخلاقی، احساسی و

معیارهای اجتماعی با توجه به نقش‌ها (شامل جنس، سن و موقعیت) و مقررات رفتاری برخوردارند (بورن، ۱۳۷۹: ۱۰۷-۱۱۵ به نقل از دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۸۹). کاربران «بی‌نام‌ونشان» اینترنت می‌توانند در چت‌روم‌ها و شبکه‌های مجازی دوستان جدیدی بیابند، با هم ملاقات کنند و درباره موضوعات مورد علاقه خویش به گفت‌وگو پردازند. این تماس‌های مجازی گاهی به دوستی‌های تمام‌عیار الکترونیکی تبدیل می‌شود، یا حتی به ملاقات رودررو می‌انجامد. از سوی دیگر از نظر مصاحبه‌شوندگان، این شبکه‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین ابزارهای رایج و تسهیلگر این‌گونه روابط نیز به‌شمار می‌آید؛ به‌طوری‌که جوانان همواره در روابط خود از این شبکه‌ها بهره می‌برند. به‌نظر می‌رسد هرچه بیشتر از این فناوری‌ها استفاده شده است، جوانان گرایش مثبت‌تری به دوستی با جنس مخالف دارند. این امر با پژوهش‌های خواجه‌نوری و دلاور (۱۳۹۱)، میرزایی و برگمدی (۱۳۸۹) و ارببرگ و دیگران (۱۹۹۵) مطابقت دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نقش دین‌داری خانواده و ارزش‌های خانوادگی در جلوگیری از روابط جنسی (مشاهده‌شده در روابط دوستی با جنس مخالف) می‌کاهد که این امر با پژوهش موحد (۱۳۸۵)، فراهانی و همکاران (۱۳۸۵) و وایت و دیگران (۲۰۰۶) هم‌راستا است.

جامعه ایران جامعه‌ای جوان است که هر ساله در آن بسیاری از نوجوانان به سن ازدواج می‌رسند، اما به دلایل گوناگون از جمله ادامه تحصیلات به‌ویژه در سطح دانشگاهی و مشکلات اقتصادی، ازدواج گروهی به تأخیر می‌افتد، اما این تأخیر مانع از آن نمی‌شود که تمایلات به جنس مخالف نیز با آن فروکش کند. آنچه امروزه دوستی دختر و پسر را در جامعه ایران به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کرده است، تعارض میان نگرش‌های مذهبی و سنتی از یک‌سو و نگرش‌های جدید از سوی دیگر است. نگرش‌های جدید حاصل تماس با فرهنگ‌های دیگر به‌ویژه فرهنگ‌های غربی است که به این‌گونه روابط حساسیت نشان نمی‌دهند. معمولاً این نگرش از طریق رسانه‌های نوین فناوری و اطلاعات اشاعه و تبلیغ می‌شود که می‌تواند نظام خانواده و ازدواج را تهدید کند.

منابع

- آزادارمکی، تقی و همکاران (۱۳۹۰)، «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲: ۱-۳۴.
- ازکیبا، مصطفی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کلمه.
- اشتراوس، انسلم و جلیت کوربین (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- احمدنیا، شیرین و مهریار، هوشنگ (۱۳۸۳)، «نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده»، *همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان*، شیراز.
- احمدی، علی‌اصغر (۱۳۸۷)، *تحلیلی بر روابط دختر و پسر در ایران*، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- باومن، زیگمونت (۱۳۸۴)، *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- تورن، آلن (۱۳۸۲)، «ایران در جریان فرایند مدرنیزاسیون قرار دارد»، *همشهری*، ویژه‌نامه نوروز.
- خلیج‌آبادی فراهانی، فریده و مهریار، امیرهوشنگ (۱۳۸۷)، «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۲۴: ۴۴۹-۴۶۸.
- خواجه‌نوری، بیژن و دل‌آور، مریم‌السادات (۱۳۹۱)، «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر فرایند جهانی‌شدن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۲: ۴۱-۶۴.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ‌سازی»، *فصلنامه فرهنگی*، شماره ۲۰: ۱۷۹-۲۰۸.

- روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲)، «نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی»، پژوهش زنان، شماره ۷: ۱۷۷-۱۹۸.
- ساروخانی، باقر و رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳)، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲: ۱۳۳-۱۶۰.
- سیدان، فریبا و نجفی‌نژاد، نرگس (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دختران نسبت به روابط با جنس مخالف»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱: ۸۹-۱۱۹.
- صاحب‌الزمانی، محمد و همکاران، (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر آموزش بر آگاهی و نگرش دختران دبیرستان‌های منطقه ۱۴ تهران نسبت به دوستی با جنس مخالف»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۴: ۲۰۷-۲۱۳.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳)، «ارزش سنتی و بازتولید فرهنگی»، همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان، شیراز.
- فراهانی، جواد و همکاران (۱۳۸۵)، «نگرش جوانان پیرامون ارتباط با جنس مخالف در شهر تهران»، دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر پژوهش کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کوثری، محمدرضا (۱۳۷۳)، بررسی علل رابطه با جنس مخالف در میان دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی در منطقه ۱۸ آموزش و پرورش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کوثری، مسعود و طاهره خیرخواه (۱۳۸۷)، «تحلیل محتوای پیام‌های کوتاه دانشجویان دانشگاه تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۲: ۵۷-۷۸.
- گلزاری، محمود (۱۳۸۳)، «آموزش مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف»، دومین کنگره بین‌المللی روان‌درمانی در شرق و گفت‌وگوی تمدن‌ها، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- گیدتز، آنتونی (۱۳۸۱)، روانشناسی اجتماعی: نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، تهران: نشر ارسباران.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، **تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد و همکاران (۱۳۹۳)، «تأثیر عوامل فردی- محیطی بر پایداری به شیوه‌های ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان روستایی-شهری دانشگاه‌های سنندج)»، **جامعه‌شناسی کاربردی اصفهان**، شماره ۵۳: ۱۵۹-۱۷۴.
- میرزایی، خلیل و برغمندی، هادی (۱۳۸۹)، «رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۳۴: ۱۳۱-۱۵۸.
- نش، کیت (۱۳۸۸)، **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت**، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، چاپ هفتم، تهران: کویر.
- وود، جولیان (۱۳۷۹)، **ارتباط میان فردی**، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات مهتاب.
- یوسفی، زهرا، عابدی، محمدرضا و نشاطدوست، حمید طاهر (۱۳۸۶)، «بررسی نگرش والدین شهر اصفهان نسبت به روابط دوستانه دختران و پسران»، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، شماره ۱۰: ۶۰۱-۶۰۹.
- Alexander, M. et al. (2006), "Romance and Sex: Premarital Partnership Formation among Young Women and Men", **Reproductive Health Matters**, No. 14: 144-155.
- Alexander, M. et al. (2007), "Correlates of Premarital Relationships Among Unmarried Youth in Pune District", **Maharashtra, India. International Family Planning Perspectives**, No. 4: 150-159.
- Baumeister, R., and Leary, M. (1995), "The Need to Belong: Desire for Interpersonal Attachment as a Fundamental Human Motivation", **Psychological Bulletin**, No. 3: 497-529.
- -Giddens, A. (1991), **Modernity and Self-Identity, Self and Society**, In Late Modern Age, Cambridge: Polity Press
- -Giddens, A. (1994), **Reflective Modernization: Polics, Ttadition, Aesthetics in the Modern Social Order**, With Ulrich Beck and Scott Lash, Cambridge: Polity Press.
- Glaser, Barney G., and Strauss, Anselm L. (1967), **The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitive Research**, Aldintransaction A Division Of Transaction Publishers, New Brunswick (U.S.A) And London.

- Hawley, D., and Dehaan. L. (1996), "Toward a Definition of Family Resilience", **Family Process Journal**, No. 35: 261-402.
- Heidegger, M. (1971), **Thiny, In Peerty, Language, Thought**, New Yourk: Harper and Row.
- Javedani, N. (2007), **Assessment Connection between Boy and Girls**, Tehran: Ketabdarmani. (*InPersian*)
- Kirby, D. (2002), "Antecedents of Adolescent Information of Sex, Contraceptive Use, And Pregnancy", **American Journal of Health Behavior**, No. 26: 473-485.
- Learner, R., and Benson, L. (2003), **Developmental Assets Abdasset- Building Communities**, New York: Kluwer.
- Miller, B. C., Chistopherson, C. R., and King, P. K. (1993), **Sexual Behavior in Adolescence**, In R. Gullotta, G. Adams, and Montemayor R. (Eds.), *Adolescent Sexuality*. Newbury Park, CA: Sage.
- Mousavi, A. (2007), **Pre Marital Counseling**, Tehran: Mehr Kavyean, [Persian].
- Pincus, A. L., and Gurtman, M. B. (1995), "The Three Faces of Interpersonal Dependency: Structural Analyses of Self-Report Dependency Measures", **Journal of Personality and Social Psychology**, No. 69: 744-758.
- Salts, C. et al. (1994), "Attitude toward Marriage and Premarital Sexual Activity of College Freshman", **Journal of Adolescence**, No. 29: 762-775.
- Urberg, K. A. et al. (1995), "The Structure of Adolescent Peer Networks", **Developmental Psychopathology**, No. 31: 540- 547.
- Wight, D., Williamson, L., and Henderson, M. (2006), "Parental Influences on Young People's Sexual Behaviour: A Longitudinal Analysis", **Journal of Adolescence**, No. 29: 473-494.